

ویژه

برنامه ایران برای انزای اسرائیل در مجمع عمومی

رسانه صهیونیستی با اشاره به برنامه کاری شلوع مقامات جمهوری اسلامی ایران در نیویورک خاطرنشان کرد: تهران تلاش می‌کند از مجمع عمومی سازمان ملل برای منزوی کردن اسرائیل استفاده کند.

روزنامه جروزامل پست در گزارش خود برنامه کاری مقامات ایران در حاشیه هفتادوهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک را یک هجوم دیپلماتیک توصیف کرد و نوشت تهران با استفاده از این فرصت به دنبال پایان دادن به درگیری‌های تشدید شده میان اسرائیل و حزب‌الله با هدف منزوی کردن اسرائیل است.

جروزامل پست در ادامه به سفر «سید عباس عراقچی»، وزیر امورخارجه ایران به نیویورک پیش از ورود «مسعود پزشکیان»، رئیس‌جمهوری ایران به مقر سازمان ملل اشاره کرد و افزود: او به محض رسیدن به نیویورک با نمایان متعددی از سایر کشورها و همچنین شخصیت‌های بین‌المللی و مسئولان سازمان ملل دیدار کرد.

عراقچی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل به‌علاوه با «سیگرید کاگ»،

هماهنگ‌کننده ارشد امور بشردوستانه و بازسازی غزه گفت‌وگو کرد که به نظر

می‌آید تلاشی از سوی ایران برای ایفای نقش در بازسازی غزه باشد.

او در این دیدار تاکید کرد رژیم اسرائیل به هدف خود برای افزایش تنش و جنگ دست نخواهد یافت، اما پاسخ قاطعی را برای جنایاتش دریافت خواهد کرد. به نوشته روزنامه صهیونیستی، عراقچی همچنین رهبری هیثی را بر عهده دارد و نشان می‌دهد که ایران چقدر به این موضوع اهمیت می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران از سازمان ملل می‌خواهد که بر منطقه غرب آسیا تمرکز کند. همه اینها برای استفاده از سازمان ملل علیه اسرائیل است.

جروزامل پست با اشاره به تعامل مقامهای ایران با گروه‌های غیر غربی در حاشیه مجمع عمومی، از جمله جنبش غیرمتمهدها، سازمان همکاری اسلامی و بریکس خاطرنشان کرد جمهوری اسلامی ایران از این گروه‌ها برای پیشبرد گفت‌وگو درباره تشدید تنش‌ها و اقدامات جنایتکارانه رژیم صهیونیستی که باید جامعه جهانی با آن مقابله کند، استفاده می‌کند.

این روزنامه همچنین به دیدارهای عباس عراقچی با وزیران امورخارجه کوبا و کویت، رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه در روزهای گذشته اشاره کرد و نوشت: او پیمایی نیز به دبیر کل حزب‌الله لبنان فرستاد و شهادت یکی از فرماندهان این گروه در حمله اسرائیل به جنوب بیروت را تسلیت گفت.

دیدگاه

مساله بزرگ‌زور و نقاط ضعف ایران

«روح الله سوری» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد؛ به نظر می‌رسد که دغ شدن موضوع زنگزور در سطح جامعه ایران تا حدود زیادی ناشی از دو مساله باشند در درجه اول باید به مبهم بودن چنین طرحی و چگونگی اجرای آن اشاره کرد. به عبارت بهتر هنوز مشخص نیست در این طرح دقیقاً قرار است چه اتفاقی رخ دهد تا اینجای کار. صرفاً کشور آذربایجان به نظر دسترس‌ی به بخشی از خاک خود که در داخل مرزهای ارمنستان قرار دارد منضم دارد گذرگاه‌ها را ایجاد کند که از خاک ارمنستان در مجاورت مرز ایران می‌گذرد که به نظر نمی‌رسد این موضوع فعلاً به معنای ایجاد تغییر در مرزهای ایران با ارمنستان باشد.

مساله دوم نگاه منفی است که در پخش عمده ای از جامعه ایران نسبت به سیاست‌های روسیه وجود دارد و در سال‌های اخیر نیز با توجه به عمیق تر شدن شکاف ی اعتمادی میان حاکمیت و مردم این حس بیشتر هم شده است. نگارنده در بسیاری از موارد منتقد سیاست‌های ایران در قبال روسیه است و بر این باور است که روسیه در بسیاری از موارد نگاه بالا به پایین به ایران دارد و سیاست روسیه در قبال ایران را در کلیت خود ممانعت از بهبود روابط ایران با آمریکا و متمایل شدن ایران به غرب می‌داند. اما به هر حال باید توجه داشت که تشدید تنش‌ها بین ایران و روسیه هم با توجه به دلایلی که بحث مفصل‌تری می‌طلبید می‌تواند مشکلاتی را نیز متوجه منافع ملی ایران کند. به همین خاطر آنچه غیرقابل تردید است این است که سیاست ایران در این رابطه باید سیاستی به دور از احساسات و بویژه احساسات قومی باشد.

مساله بعدی که قابل طرح است تاثیراتی است که ایجاد دالان زنگزور می‌تواند بر موقعیت ایران از لحاظ ارتباط و دسترسی به اروپا داشته باشد. مخالفان چنین طرحی مدعی هستند که با اجرایی شدن چنین طرحی راه دسترسی ایران به اروپا و شمال قفقاز از طریق ارمنستان بسته خواهد شد. برای پاسخ دقیق‌تر به این ادعا باید دید که راه ارتباطی ایران از طریق ارمنستان تا چه حدی از اهمیت برخوردار است بویژه در مقایسه با راه خزر و ترکیه.

به نظر می‌رسد که اهمیت راه ارتباطی ایران به اروپا، روسیه و شمال قفقاز از طریق دریای خزر و یا ترکیه بیشتر از راه ارتباطی ارمنستان باشد. ضمن اینکه باید دید ایال دالان مذکور قطع گنهد راه ایران به ارمنستان خواهد شد یا خیر؛ این مساله مهمی است که به نظر می‌رسد مخالفان این طرح در داخل ایران آن را بصورت پیش فرض در ذهن خود جای داده‌اند.

میلیتاری

نگرانی ژئوال مک کنزی درباره توانایی موشکی ایران



فرمانده پیشین سنتکام با تاکید بر اینکه «پایگاه‌های آمریکا در منطقه در برابر موشک‌های ایران آسیب‌پذیر شده‌اند» خواستار بازنگری در موقعیت این پایگاه‌ها شد.

به گزارش ایسنا، ژنرال «فرانک مک‌کنزی»، فرمانده سابق سنتکام (فرماندهی مرکزی ایالات متحده در منطقه) در گزارشی هشدار داد با پیشرفت ایران در توانمندی‌های تسلیحاتی‌اش، پایگاه‌های آمریکایی در منطقه غرب آسیا در برابر موشک‌های این کشور آسیب‌پذیر شده‌اند.

او که اکنون یکی از اعضای ارشد «موسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا» به شمار می‌آید در این گزارش تصریح کرد: استراتژی پایگاه‌ها ما قدیمی است. و برای مقابله با تهدید مرکزی در منطقه، یعنی ایران، موقعیت ضعیفی دارد. با ایجاد یک ششبه‌پایگاه غریبی منطقی برای تجهیزات هوایی آمریکا، ما توانایی ایران برای هدف قرار دادن نیروهایمان و افزایش هزینه تهاجم را پیچیده خواهیم کرد.

مک‌کنزی در ادامه تاکید کرد برخی پایگاه‌های ایالات متحده در قطر، امارات و بحرین که در نزدیکی ایران قرار دارند، اکنون به‌عنوان نقاط ضعف آمریکا در منطقه محسوب می‌شوند.

وی با بیان اینکه «ایران مملو از قابلیت‌های موشکی کواتربرد است» افزود: از آنجایی که فناوری و توسعه موشکی آنها مدرن شده است، وضعیت پایگاه‌ها نیز به بازنگری دارد.

ژنرال بازنشسته آمریکایی گفت ایران هزینه زیادی را صرف توسعه قابلیت‌های موشکی خود، شامل موشک‌های بالستیک و کروز و همچنین هواپیماهای بدون سرنشین کرده است. او خاطر نشان کرد، این سه قابلیت، قابلیت‌های نسبتاً جدیدی در مقیاس منطقه هستند و تهدیدات جدیدی را ایجاد می‌کنند.

مک‌کنزی تاکید کرد: آنها می‌توانند سلاح‌های بیشتری از آنچه که ما حتی با وجود سیستم‌های بسیار توانمندمان قادر به دفاع (در برابرش) خواهیم بود، وارد جنگ کنند.

او که به مدت سه سال بین مارس ۲۰۱۹ تا آوریل ۲۰۲۲ به عنوان فرمانده سنتکام در منطقه حضور داشت در ادامه بیان کرد ایالات متحده باید به‌طور جدی با متحدان منطقه‌ای، مانند عربستان سعودی، اردن، عمان و مصر برای انتقال پایگاه‌های خود به نقاط دورتر از ایران همکاری کند.

چارچوب‌های خرد و کلان دیپلماسی چهاردهم

وزیر امور خارجه ایران درباره مذاکرات رفع تحریم‌ها گفت: «ما آمادگی آن را داریم و اگر طرف مقابل آمادگی آن را داشته باشد، می‌توانیم در سفر نیویورک شروع جدیدی از مذاکرات را داشته باشیم».

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در گفت‌وگویی با اشاره به اینکه در دوران ویژه‌ای تصدی وزارت امور خارجه ایران را برعهده گرفته است، اظهار داشت: سیاست خارجی، کلاً کار سختی است و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به مراتب سخت‌تر است و همیشه سخت‌تر بوده است. ما در طول ۴۰ سال گذشته وزارت خارجه پرکاری را همیشه داشته‌ایم.

وی افزود: وزیر شهید «حسین امیرعبداللهیان» نیز در یکی از سخت‌ترین و دشوارترین دوره‌ها وزیر خارجه ایران بود. وقتی جنگ او کراین آغاز شد، تبعاتی داشت و بعد از آن طوفان اقمعی و جنگ غزه آغاز شد که سیاست خارجی ما را به خودش مشغول کرد و تا این اواخر که عملیات وعده صادق انجام شد.

عراقچی بیان داشت: در طول این ۳۵ سالی که من در وزارت امور خارجه مشغول بوده‌ام، روزی نبوده که با آرامش کامل گذشته باشیم. دوستان در بقیه قسمت‌های جمهوری اسلامی نیز به‌منظور: ما در این شرایط سخت و آیدناخواهیم افتاد. حرکاتی که بگوییم که پوست‌ماکن کلفت شده است، آن‌شالله با قوت ایستادیم و تلاش می‌کنیم. انفجار پیچرهای اقدامی از سر استیمال بود وی گفت: ما هم کاملاً هوشیار هستیم و در تله آنها نخواهیم افتاد. حرکاتی که آن‌ها انجام می‌دهند، به نظر من کاملاً از روی استیمال است. پیچرهای کوچکی را از قبل مواد منفجره بگذاری و منفجر کنی آن به صورت کوره چون بسیاری از این پیچرها دست مراکز اداری و بهداشتی بوده و می‌تواند جوهرهای ترور کور است.

عراقچی اظهار داشت: ممکن است بگوییم از نظر اطلاعاتی پیچرهای زیادی کردن و در آن مواد منفجره کار گذاشتن، یک کار قابل توجهی است ولی در صحنه نبرد بین مقاومت و اسرائیل، این یک کاری از سر استیصال است که یک عده سرباز را نابینا کنی یا جراحاتی وارد کنی. در صورتی که این صحنه نبرد، از بالا نگاه می‌کنیم، می‌بینی به نظر می‌آید که اسرائیل از جهات مختلف گرفتار شده است. هزینه اقتصادی که در سال‌های اخیر متحمل شده سرسام‌آور است. مشکلات اجتماعی که پیدا کرده‌الان حدود ۷۰–۸۰ هزار نفر از مناطق شمال اسرائیل که جنوب لبنان می‌شود، آواره شده‌اند.

ترور هنیه با هدف تحریک کردن ایران وزیر امور خارجه ایران گفت: به نظر من اسرائیل در یک موقعیت بسیار سختی قرار گرفته، موقعیتی که می‌شود اسم آن را «استیصال» گذاشت و به همین دلیل به حرکت‌های ایضایی این چنینی دست می‌زند. ترور اسماعیل هنیه به تهران صبح روز بعد از تحلیف ریاست جمهوری، یک حرکت ما برای وارد شدن به یک درگیری بزرگ‌تر بود؛ بله هزینه خودش را داشت هزینه انسانی داشت، یک انسان بزرگی را ترور کردند و قبول دارم که هزینه حیثیتی داشت ولی در برابر حیثیت بر باد رفته اسرائیل و ارتش اسرائیل در این جنگ، این‌ها هزینه‌هایی است که وجود دارد ولی حکایت از یک نوع استیصال از سوی اسرائیل دارد. این حرکت اخیرش در یکی دو روز گذشته نیز یک حرکت نوجوانمردانه است.

شراکت آمریکا در جنایت‌های اسرائیل وی افزود: آمریکایی‌ها همیشه پیغام می‌دهند. رابط ما مسوئیس است و در این گونه موارد دیدگاه‌های خود را از این طریق مطرح می‌کنند. در رسانه‌ها هم گفتند و پیغامشان نکته ویژه‌ای نداشت. سخنگویشان هم مطرح کرد که در این عملیات دخالتی نداشتند و از آن اطلاعی نداشتند که البته از نظر ما پذیرفته نیست. نمی‌توان این ادعاها را باور کرد که آن‌ها خیر نداشتند یا در این مسئله دخالتی نداشتند و از طریق رسانه‌ها مطلع شدند.

عراقچی گفت: آمریکایی‌ها تا حد بسیار زیادی شریک این جنایت‌ها هستند، هم به پشتیبانی‌ای تسلیحاتی و اطلاعاتی و هم

عراقچی تشریح کرد



با پشتیبانی‌های سیاسی که انجام می‌دهند. آمریکاست که جلوی قطعنامه شورای امنیت در مورد غزه را گرفته و بسیاری از حمایت‌های سیاسی دیگری که از اسرائیل انجام می‌دهد. بنابراین آمریکایی‌هانی‌توانند خودشان را از این جنایات کنار بکشند. باید مسیریهایی را برویم که بتوانیم هزینه‌های تخصص با آمریکا را کاهش دهیم وزیر امور خارجه در خصوص سیاست دولت چهاردهم برای رفع تحریم‌های آمریکا اظهار داشت: ما اختلافاتی با آمریکایی‌ها داریم که برخی از آن کاملاً منبایی است که در مورد آن‌ها امکان رفع تخصص واقعاً وجود ندارد. ما مخالف سیاست‌های سلطه‌گرانه آمریکا هستیم. ما مخالف حضور آمریکا در بسیاری از نقاط جهان از جمله در منطقه خودمان هستیم و با بسیاری از سیاست‌ها و زورگویی‌های آمریکا مخالف هستیم ما آن‌ها هم با حداقل زمانش الا ن نیستیم و در صورت امکان از پیچرهای عزم‌تندانه جمهوری اسلامی و سیاست‌های ما در منطقه مخالف هستند. حل کامل این اختلافات ممکن است شدنی نباشد و یا آسان نیست یا حداقل زمانش الا ن نیست و یا برخی از آنها اصولاً اصلاً امکان‌پذیر نیست. وی افزود: نکته من این است که اگر رفع تخصصات امکان‌پذیر نیست، می‌شود هزینه‌هایش را کاهش داد. در صورت است که این تخصص وجود دارد اما مردم ما نباید هر هزینه‌ای را بپردازند و هر فشاری را نباید تحمل کنند. ما به عنوان مجریان سیاست خارجی باید راه‌هایی را اتخاذ کنیم و با ابزارهای مختلف مسیریهای را برویم که بتوانیم هزینه‌های این تخصص را کاهش دهیم.

به دنبال آغاز دور جدیدی از مذاکرات هسته‌ای

وی تاکید کرد: من چند روزی بیشتر رئیس جمهور در نیویورک می‌مانم و ملاقات‌های بیشتری را با وزرای خارجه کناره‌های بیشتری خواهم داشت، تلاش می‌کنم که دور جدیدی از مذاکرات در خصوص موضوع هسته‌ای آغاز شود. ما آمادگی آن را داریم و اگر طرف مقابل طبعی سفر شروع جدیدی از مذاکرات را داشته باشیم.

وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به اینکه آیا طرف مقابل پسرای انجام مذاکرات اعلام آمادگی کرده یا خیر؟ گفت: پیغام‌هایی رد و بدل شده و یک اعلام آمادگی عمومی وجود دارد ولی شرایط بین‌المللی کنونی به گونه‌ای است که شروع مجدد مذاکرات هسته‌ای قاری سخت‌تر و پیچیده‌تر از قبل است. وی خاطرنشان کرد: ما باید قبول کنیم که نسبت به سه چهار سال پیش تحولات عمده‌ای در عرصه بین‌الملل رخ داده گشته و وضعیت حاضر با بسیاری پیچیده‌تر از گذشته کرده و شرایط پیچیده‌ای است ولی امیدواریم که در این شرایط سخت، حداقل یک شروع دوباره‌ای برای مذاکرات را داشته باشیم. در این سفر بنده و همه همکارانم همه توان و تجربه خود را به کار خواهیم بست و امیدواریم بتوانیم هم عنایت کند تا بتوانیم مسیریهای جدیدی را باز کنیم.

عراقچی در پاسخ به این سوال که آیا جمهوری اسلامی ایران در برجام ادامه داد، مادر برجام نه با آمریکایی‌ها دوست شدیم، نه رفیق شدیم و نه شریک. ما در موضوع هسته‌ای با آمریکایی‌ها اختلاف داشتیم و تلاش کردیم که این اختلاف را مدیریت کنیم؛ با فرمول اعتمادسازی در برابر رفع تحریم‌ها که موفق هم بودیم- و همه دنیا استقبال کرد ولی آمریکایی‌ها بعد از مدتی از این فرمول خارج شدند که بحث‌های خودش را دارد ولی می‌خوام بگویم کاری که در برجام صورت گرفت، نوعی مدیریت تخصص بود. نه ما از نامه هسته‌ای خود دست برداشتیم و نه آن‌ها از سیاست‌های منحصامنه خودشان دست برداشتند؛ ولی تلاش کردیم تا هزینه‌های این تخصص در مسئله هسته‌ای کاهش پیدا کنند و تحریم‌هایی که به این دلیل وضع شده بود تا حد امکان رفع شود. عراقچی تاکید کرد، ما این مسیر را حتماً ادامه خواهیم داد و هر کاری را که بتوانیم بکنیم برای اینکه باری را از روی دوش مردم

و کشور برداریم و هر کاری را که بتوانیم موانع را از کنار برداریم و هر راهی که در سر راه اقتصاد مردم و کشورمان امنیت در مورد غزه را گرفته و بسیاری از حمایت‌های سیاسی دیگری که از اسرائیل انجام می‌دهد. بنابراین آمریکایی‌ها نمی‌توانند خودشان را از این جنایات کنار بکشند. باید مسیریهایی را برویم که بتوانیم هزینه‌های این تخصص را کاهش دهیم. وزیر امور خارجه در پاسخ به اینکه وی گفت: سعی می‌کنیم موانع را برداریم و راه‌ها را باز کرده و مسیریهای جدید ایجاد کنیم که اقتصاد کشور بتواند حرکت کند و در عین حال عزت کشور را نیز حفظ کنیم. هرچه آمریکا تلاش می‌کند تا مسیریهای پیش روی پیشرفت ما را ببندد، ما وظیفه داریم این مسیریها را باز کنیم و موانع را برداریم و مسیریهای تازه ایجاد کنیم که اقتصاد کشور بتواند حرکت کند و در عین حال عزت کشور را نیز حفظ کنیم. هرچه آمریکا تلاش می‌کند تا مسیریهای پیش روی پیشرفت ما را ببندد، ما را وظیفه داریم این مسیریها را باز کنیم و موانع را برداریم و مسیریهای تازه ایجاد کنیم. مدیریت تخصص یعنی اینکه هزینه‌ها را کاهش و منافع را افزایش دهیم.

برجام نمونه‌ای از مدیریت تخصص

این دیپلمات ارشد کشورمان خاطرنشان کرد: اگر می‌توانیم بعضی جاهای فضای امنیتی ایجاد کنیم؛ اگر می‌توانیم بعضی جاهای حرکت‌هایی را به تأخیر بیندازیم و حتی بعضی جاهای ابعاد یک تهدید را کوچکتر کنیم چرا نباید بکنیم؟ به اعتقاد من وظیفه ما در سیاست خارجی این است که کاملاً رصد کنیم که این اختلاف و تخصصی که بین ما دارد، هزینه‌ها و صدمات کاهش‌دهی آن را برای کشور و برای مردم کاهش دهد. ما در یکی از نمونه‌های آن کاری بود که در برجام صورت گرفت. وی با اشاره به سیاست جمهوری اسلامی ایران در برجام ادامه داد: مادر برجام نه با آمریکایی‌ها دوست شدیم، نه رفیق شدیم و نه شریک. ما در موضوع هسته‌ای با آمریکایی‌ها اختلاف داشتیم و تلاش کردیم که این اختلاف را مدیریت کنیم؛ با فرمول اعتمادسازی در برابر رفع تحریم‌ها که موفق هم بودیم- و همه دنیا استقبال کرد ولی آمریکایی‌ها بعد از مدتی از این فرمول خارج شدند که بحث‌های خودش را دارد ولی می‌خوام بگویم کاری که در برجام صورت گرفت، نوعی مدیریت تخصص بود. نه ما از نامه هسته‌ای خود دست برداشتیم و نه آن‌ها از سیاست‌های منحصامنه خودشان دست برداشتند؛ ولی تلاش کردیم تا هزینه‌های این تخصص در مسئله هسته‌ای کاهش پیدا کنند و تحریم‌هایی که به این دلیل وضع شده بود تا حد امکان رفع شود. عراقچی تاکید کرد، ما این مسیر را حتماً ادامه خواهیم داد و هر کاری را که بتوانیم بکنیم برای اینکه باری را از روی دوش مردم

و کشور برداریم و هر کاری را که بتوانیم موانع را از کنار برداریم و هر راهی که در سر راه اقتصاد مردم و کشورمان امنیت در مورد غزه را گرفته و بسیاری از حمایت‌های سیاسی دیگری که از اسرائیل انجام می‌دهد. بنابراین آمریکایی‌ها نمی‌توانند خودشان را از این جنایات کنار بکشند. باید مسیریهایی را برویم که بتوانیم هزینه‌های این تخصص را کاهش دهیم. وزیر امور خارجه در پاسخ به اینکه وی گفت: سعی می‌کنیم موانع را برداریم و راه‌ها را باز کرده و مسیریهای جدید ایجاد کنیم که اقتصاد کشور بتواند حرکت کند و در عین حال عزت کشور را نیز حفظ کنیم. هرچه آمریکا تلاش می‌کند تا مسیریهای پیش روی پیشرفت ما را ببندد، ما وظیفه داریم این مسیریها را باز کنیم و موانع را برداریم و مسیریهای تازه ایجاد کنیم. مدیریت تخصص یعنی اینکه هزینه‌ها را کاهش و منافع را افزایش دهیم.

بلومبرگ بررسی کرد

نگرانی آمریکا درباره رفاقت چین و روسیه با ایران

این مقابله طبق الگویی است که کارشناسان خارجی و آمریکا و متحدان آن کشمکش مضاعف واشنگتن در عین تلاش برای رسیدن به اهداف آن در سراسر جهان می‌دانند.

«هارتین کیمانی» سفیر پیشین کنیا در سازمان ملل و مدیر مرکز همکاری‌های بین‌المللی دانشگاه نیویورک در این باره گفت: نفوذ آمریکا به سرعت رو به افول است. قدرت‌های نوظهوری هستند که می‌خواهند بیش از پیش جایگاه خود را در فضای چندجانبه تثبیت کنند. مثال آن چین و بقیه کشورها هستند و جنوب جهانی نیز در حال ابراز وجود است.

در ادامه این مطلب آمده است: این واقعیتی است که «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا با شرکت در نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل به همراه ۱۴۰ نفر از دیگر رهبران جهان با آن مواجه است.

شنبه ۳ مهر ۱۴۰۳ - ۱۴۴۶ - ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴ - سال بیست‌وسوم - شماره ۶۳۹۱

یادداشت

تفاوت‌های روسیه و آمریکا

ادامه از صفحه ۱

قدرت اقتصادی و قدرت سیاسی و تصمیم سیاسی در آمریکا از هم تفکیک شده‌اند. در روسیه، ثروتمند شدن و قدرت اقتصادی بدون تأیید، هماهنگی و سهم حاکمیت سیاسی، امکان‌پذیر نیست. انتظار پاسخ‌گویی، شفافیت و کارآمدی در چنین قالبی بی مورد است. غربی‌ها بر اساس معیار انسان‌های «خوب» حکمرانی نمی‌کنند بلکه قالب، قاعده و قانون طراحی می‌کنند تا انسان قدرت‌طلب خودخواه، سودجو، فرصت‌طلب، حبه‌گره و طمع‌ا را کنترل کنند. در غرب، قانون برای سیستم طراحی می‌شود و در روسیه برای تداوم حکمرانی عده‌ای خاص. در آمریکا، سیستم اولویت دارد و در روسیه، فرد. در آمریکا، ساختارها تعیین‌کننده هستند و در روسیه مناسبات افراد؛

۴- وقتی مجریان برای مدت معینی انتخاب شوند و دو قوه دیگر بر آن‌ها نظارت کنند، خود به خود پاسخگو می‌شوند. نتیجتاً اش این است که رسانه‌ها آزاد می‌شوند. چهارمین معیار و شاقول حکمرانی مطلوب و کشورداری براساس منافع ملی و امنیت ملی، آزادی رسانه است که مجریان را در قالب‌ها نگه می‌دارد. در چنین قالبی، مجری از رسانه‌ها می‌ترسد چون اگر خلاف کند بالاخره یک خبرنگار یا یک رسانه متوجه آن خواهد شد. مصلحت قوه مجریه در روسیه، نوع پوشش خبری رسانه‌های این کشور را شکل می‌دهد ولی رسانه‌ها و خبرنگاران در آمریکا برای طرح یک موضوع و نقد یک سیاست از کاخ سفید اجازه نمی‌گیرند. قانون در آمریکا به رسانه‌هایی که بر اساس Fact بنویسند و طرح موضوع کنند آزادی عمل می‌دهد. حداقل ۸۰ درصد رسانه‌ها در یک کشور باید غیردولتی باشند تا انتظار کارآمدی، پاسخگویی و شفافیت داشت. اگر تفکیک قوا برقرار نباشد، افراد برای مدت طولانی در سمت‌های خود باقی می‌مانند و رسانه‌ها قابلیت‌های خود را از دست می‌دهند. وقتی فردی به مدت ۲۰ سال در وزارت باشد او دیگر در بی انجام وظیفه، خدمات مدنی، رسالت ملی، حکمرانی کارآمد و امنیت ملی نیست. بلکه بیشتر به Business و گسترش مدارهای رانت فکر می‌کند. در آمریکا، دو قوه مقننه و قضاییه و رسانه‌های غیردولتی اجازه نمی‌دهند جو بایدن به دنبال Business باشد. پاکدستی افراد هیچ ضمانتی ندارد و نمی‌تواند معیار انتخاب باشد. بلکه معیار، رفتار به قاعده، قانون و شفافیت است. علم حقوق حکم فونداسیون یک ساختمان را دارد. اگر فونداسیون اشکال داشته باشد، ده بایست طبقه ساختمان نمی‌تواند استحکام و دوام خود را حفظ کند. بنیان کشورهایی غربی در اسکلت‌سازی و فونداسیون‌های حقوقی است. بسیاری از روشنفکران و فعالین سیاسی کشورهای جهان سوم به علت ناآشنایی با تاریخ و نظریه‌های علوم انسانی، در حکمرانی‌هایی که بر پا کردند اول به سراغ آزادی سیاسی رفتند و با هیجان و سخنرانی‌های آتشین، عامه را به آزادی سیاسی دعوت کردند. درحالی که آزادی سیاسی نتیجه و خروجی نظام حقوقی، استحکام قانونی و تولید ثروت است. با فونداسیون حقوقی، سیستم باید به فکر تولید ثروت و کارآمدی نظام اقتصادی باشد و با تفکیک قوا و گردش قدرت و آزادی رسانه در پروسه‌ای طولانی به سمت آزادی سیاسی حرکت کند؛

۵- پنجمین شاقول و معیار در حکمرانی مطلوب و پرداختن به امنیت ملی به جای امنیت حکمرانان، ایجاد تدریجی یک نظام حزبی است. در روسیه، ظاهراً احزاب متفاوتی وجود دارند ولی در خدمت قوه مجریه هستند و هرحزبی که با فرد شناسایی می‌شود. در روسیه، حکومت از دید مردم جز یک حزب است. درحالی که با افرادی معامله کند تا با احزایی که ممکن است میلیون‌ها عضو و طرفدار داشته باشند. تنوع احزاب یعنی تنوع برنامه‌ها برای مدیریت یک کشور. وقتی به معنای شفاف کلمه، رقابت حزبی باشد و هر حزبی، بخشی از یک جامعه را نمایندگی کند، این ساختار خود به خود آزادی رسانه، پاسخگویی و شفافیت ایجاد می‌کند. نظام حزبی زمانی معنا پیدا می‌کند که احزاب باهم اختلافات فلسفی و کلان نداشته باشند. اختلاف آن‌ها صرفاً در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باشد. در روسیه، رقابت حزبی، رقابت بین افراد است. در آمریکا، رقابت حزبی، رقابت برنامه‌ها است. نظام حزبی در یک کشور در فرایند رقابت حزبی‌ها فکری، ثبات سیاسی به دنبال می‌آورد. اگر یک حزب اشتباه کند، دور بعد انتخاب نمی‌شود. نظام حزبی حضور مجریان برای دوره‌های طولانی می‌شود و چون گردش قدرت در آن مستتر است، شفافیت و کارآمدی متولد می‌شود. سیر تسلسلی این پنج معیار، کانونی بودن علم حقوق را در ساختارسازی و اسکلت‌سازی یک نظام حزبی مشخص می‌کند. اگر حکمرانی مطلوب و امنیت ملی ملاک باشد، این نوع فونداسیون ضرورت پیدا می‌کند.

امنیت حکمرانان، چارچوبی دیگر می‌طلبد و مبتنی بر منافع، مصالح و سلاقی مجریان است. آمریکا با علم حقوق متولد شد. سپس یک و نیم قرن بر رشد و توسعه اقتصادی متمرکز شد و در نهایت با تکامل جامعه مدنی، در سال ۱۹۲۴ و پس از ۱۴۸ سال تمرین و بلوغ سیاسی برای اولین بار نظام مبتنی بر شهروندی و اصول دموکراتیک در آن نهادینه شد. روسیه با قدمت ۹۰۰ ساله عموماً توسط افراد مدیریت شده است. Ivan Vasilyevich برای ۵۴ سال (۱۵۸۴–۱۵۳۰) پادشاهی کرد. ایوان واسیلیویچ ۵۴ سال حکومت کرد چه ضرورتی داشت به فکر حکمرانی باشد؟ نفوذ آمریکا به روسیه، مدام می‌کند میراث مثبتی از خود به جا بگذارد و تلاش می‌کند تاریخ به نیکی از او یاد کند. در طبع بشر، هیچ لذتی بالاتر از قدرت و مقام نیست و در میان تمام لذات بشر، هیچ لذتی بالاتر از قدرت، کسب قدرت و حفظ قدرت وجود ندارد. تفکیک قوا، گردش قدرت، آزادی رسانه، تفکیک قدرت سیاسی از قدرت اقتصادی و نظام حزبی، مکانیزم‌هایی هستند که عطف بشر به قدرت را رام می‌کنند. در آمریکا، سیستم حکمرانی می‌کند. ممکن است اشتباه کنی ولی به واسطه اسکلت حقوقی و آزادی گفت‌وگو، خود را اصلاح کنی. در روسیه، فرد حکمرانی می‌کند. ممکن است اشتباه کند ولی چون روان آدمی سخت قبول می‌کند که اشتباه کرده است، بر اشتباه خود اصرار می‌ورزد و منابع را تلف می‌کند. در آمریکا، به واسطه نظام حزبی و آزادی رسانه‌ها، مردم حق انتخاب و فرصت تغییر دارند. در روسیه، مردم باید مجربان تکراری را برای ده‌ها ببینند. در آمریکا، حکمرانان به فکر کشور هستند. در روسیه، حکمرانان به فکر خود هستند. در آمریکا، ساختار حقوقی اجازه سوء استفاده از مقام را به حداقل می‌رساند. در روسیه، مدام می‌کند که فرد به مقام بالاتر از خود وفادار باشد، مصونیت سیاسی و حقوقی پیدا می‌کند. اما در این مرحله از بحث، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه نظام حقوقی در یک کشور شکل می‌گیرد؟ دو عامل در ظهور و ایجاد یک نظام حقوقی برای حکمرانی مطلوب و تولید ثروت دخیل هستند: ۱. اجماع نخبگان فکری و ابزاری یک جامعه یا کشور که به فکر آینده هستند و ۲. عموم مردمی که اهل مطالعه و شناخت و آگاهی باشند.